

## بستر سازی تروریسم و تروریسم نوین در افغانستان



ضیا؛ ناشر هفته نامه "افق" استرالیا

یکی از میراث‌های شوم کودتای ثور، داخل شدن کلمه های زشت و نفرت بر انگیز ترور، تروریست و تروریسم در ادبیات سیاسی و به ویژه در اذهان عامه مردم افغانستان میباشد که پیش از آن ندرتاً جوانک های سازمانی جریان‌های سیاسی این کلمه ها را در کتاب‌های سیاسی جیبی و یا ورقه های کاپی شده از یک دست به دست دیگر به گونه پنهانی میخواندند و در نهایت اگر تعدادی از به اصطلاح تیوریسن های چپی یا راستی و تعداد محدود از روشنفکران ( به زعم جامعه افغانی) با کلمه های ترور یا تروریسم آشنایی می داشتند. زیرا فعالیت‌های تروریستی با این همه رسوایی یی که امروز مردم جهان، بخصوص افغانستان را به خوف و هراس گذاشته است، وجود نداشت.

ترور **Terreur**، کلمه ایست با ریشه لاتینی **Ters** به معنی ترس و به ترس و وحشت انداختن

که مشتقات آن چون تروریست **Terrorist** و تروریسم **Terrorism**... به آن بسته گی دارد. تروریسم برای نخستین بار طی سالهای 1793-1794 میلادی در فرانسه به معنی حکومت وحشت و فشار شامل ادبیات سیاسی شد. در این دوره هزاران انسان در فرانسه به وسیله گیوتین (دستگاه سر بُردن انسان) به قتل رسیدند.

تروریسم در زبان فارسی به مفهوم داعیه ای که از قتل‌های سیاسی و ترور دفاع می کند را می رساند و لزوم آدم کشی و تهدید و خوف و وحشت در میان مردم را معنی می دهد. ازین شیوه برای نیل به هدف‌های سیاسی؛ و یا برانداختن حکومت و در دست گرفتن زمام امور دولت، یا تفویض آن به دسته دیگری است که مورد نظر می‌باشد. این عقیده معمولاً از ابزار اصلی فاشیسم، ماکیاولیسم و مکاتب مشابه آن است. واما در زبان عربی واژه (ارهاب) یا تروریسم، به معنی (ترس و ترساندن) می باشد که از مصدر ( رهب) جدا شده است.

نویسنده این سطور ( ضیا) به این باور است: نفس عمل ترور که بر بنیاد ( اغفال، قباو، کمین... علیه همنوع ) استوار است، این عمل پست، ناجوانمردانه و جبونانه به هیچ صورت حتی در میان وحشی ترین و درنده ترین و مکاره ترین حیوانات ( روباه) وجود ندارد. به این معنی؛ اگر حیوانات درنده ( شیر، پلنگ...) به خاطر به دست آوردن شکار، در گوشه جنگل کمین می گیرند و مخفیانه به شکار حمله می کنند، شکارش از نوع خود شان نیست. بلکه آهو، و یا سایر انواع حیوانات است. اما متأسفانه این انسان (اشرف مخلوقات!!) است که با عمل ترور و با شیوه غافلگیری، مخفی گری، قباو و کمین، خون همنوع خود را به زمین می ریزاند تا به هدف خود برسد. جالب این است؛ در کنار آنکه امروز، بارز ترین نمونه تروریسم دولتی و حامی

تروریسم، دولت اسراییل قلمداد شده است. اما پیش از آن رهبر پرولتاریای جهان!! و به گفته انقلابیون سرخ (لینن کبیر) از جمله افرادی به حساب رفته است که از ترور به عنوان یک عمل سیاسی موثر نام می برد، لینن در (کتاب دولت و انقلاب) پس از بررسی راه های مختلف نابودی دستگاه دولت در نظام سرمایه داری، اینگونه نتیجه می گیرد: (بهترین شیوه در هم شکستن سلطه دولت های سرمایه داری، استفاده از ابزارهای نظامی و راه های تروریستی است.) در واقع لینن را می توان بنیانگذار تروریسم بین المللی جدید دانست.

بی جهت نیست، رژیم کودتای ثور بر مبنای همین ارشاد!! لینن کبیر از همان روز نخست به قدرت رسیدن شان با ظالمانه ترین، ناجوانمردانه ترین و جیونانه ترین شیوه های تروریسم دولتی، هزاران انسان را از دفتر، فابریکه، مسجد، خانه، دوکان، مکتب، مدرسه، دانشگاه، مزرعه، بازار و هر جای دیگر به گونه مخفیانه و دزدانه دستگیر می کردند و آنها را به زندانها و قتلگاه ها می فرستادند تا وحشت و دهشت در جامعه چیره شود و خود بر اریکه قدرت ادامه دهند. از سوی دیگر رژیم کودتا چنان فضای اختناق سیاسی را در افغانستان به وجود آورده بود که زمینه فوق العاده مساعد را برای پاکستان، ایران، کشور های عربی و از جمله ایالات متحده امریکا فراهم ساخت تا رسم ترور، غافلگیری و غافل کشی را از طریق تنظیمهای اسلامی علیه رژیم کودتا، قوتهای نظامی آنها، روسها و همچنان در سطح گروههای متخاصم ترویج نمایند. تبعات آن به ایجاد گروه های تروریستی القاعده که از بدنه سیاستهای امریکا زاده شد، متعاقباً پس از سقوط امارت ملا عمر، از حدود سالهای 2005 طالبان نیز به طور روز افزون به حمله های انتحاری دست زدند و در فرجام دیده میشود که ده ها گروه تروریستی دیگر تا داعش سایه وحشت و دهشت را بر جهان چیره کرده است.

مسلم است که حامیان بین المللی تروریسم، ذره یی از عاطفه و ترحم انسانی ندارند. آنها کسانی اند که چشم وجدان شان با تیر قدرت و سر مایه کور شده است. آنها باید بدانند که فرجام پدیده زشت تروریسم مثل حوادث ناگواری که از طرف حلقهات تروریستی در سطح بین المللی در کشور های مختلف جهان طی سالهای اخیر به وقوع پیوسته است، دامنگیر خود شان، خانواده های شان و مردم شان خواهد شد.

امروز تروریسم، منحصراً فصل جدیدی در معادلات سیاسی جهان عرض اندام کرده است. اگر کشور های حامی تروریسم و یا سران و رهبران این روش وحشت افگنی و دهشت آفرینی به این دل خوش کرده باشند که میتوانند با این وسیله به اهداف غایی و استراتژیک شان می رسند، به عقیده من اشتباه است. زیرا نتیجه یی که وحشت و ارباب به وجود می آورد، از بد بینی فردی تا جمعی از سطح محل تا شهر و کشور و از آن گذشته بد بینی بین المللی را در قبال دارد. به این معنی که فرد، گروه و یا کشوری نمی تواند بالای همه جهان حاکمیت مطلق آنها را به دهشت داشته باشند. از همین جاست به قول ابولمغانی "بیدل":

(دل خانه ایست کانجا، نتوان به زور جا کرد)

شما چه نظر دارید؟